

ساعت پنج و نیم عصر خانم مامان جون و بابا جون هستیم.

صدای افغان می آید هوا تاریک و سرد شده است.

دایی ارسیا برای بیرون رفتن حاضر می شود.

تارا روی مبل نشسته و عصرانه می خورد.

مادر و پیر چای می نوشند.

مامان جون و بابا جون خانه نیستند.

با ماشین به خانه آمدیم در راه سوپر پارک دیدیم.

در خانه یک خورده مزه آن شیرین بود با یک لیوان شیر که

سرد بود.

عطر مادرم بوی خیلی خوبی دارد.

شب در زخم که خیلی نرم است می خوابیم.

ساعت ۵:۳۰ دقیقه عصر ، خانه ي مامان جون و باباجون هستيم
صدای اذان مي آید هوا تاریک شده است



تارا روی مبل نشسته است و عصرانه مي خورد



مامان و بابا چای مي نوشند



Subject :

در راه سوپر، پارک و ... دیدیم



مامان جون و باباجون خانه نیستند
دایي ارسيا براي بیرون رفتن حاضر مي شود
خانوادگي با ماشین به خانه برگشتیم



در خانه کیک خوردم که مزه ي آن شیرین بود با يك لیوان شیر که سرد بود



عطر مامانم بوي خيلي خوبي دارد



راستي ... ميوه هم خوردم



مامان شام خوشمزه اي براي من و خواهرم آماده کرد
شب در تختم که خيلي نرم و راحت است مي خوابم

